

علم أصول الفقه

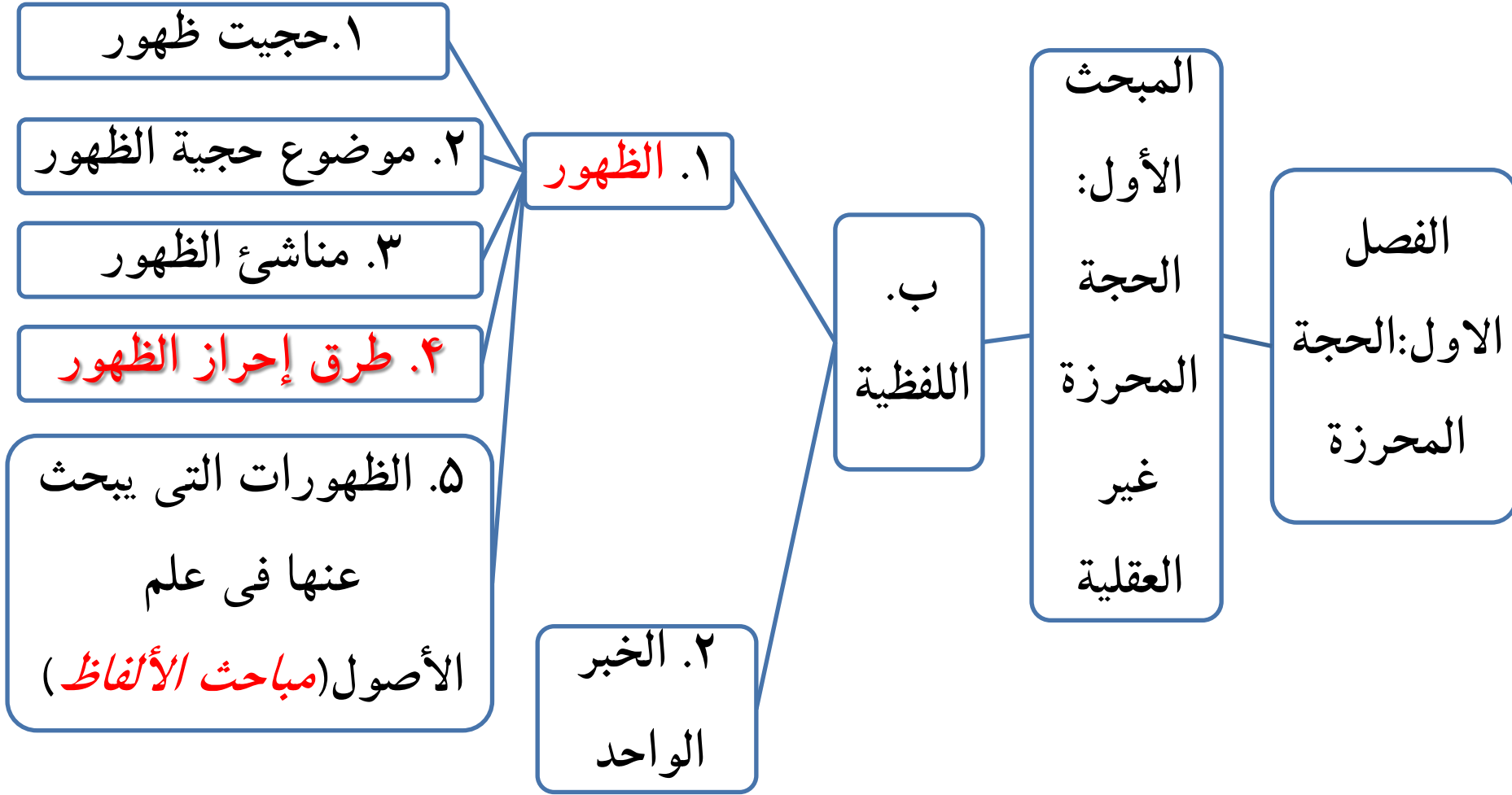
١٦

٩٤-٢-٦ ظهور

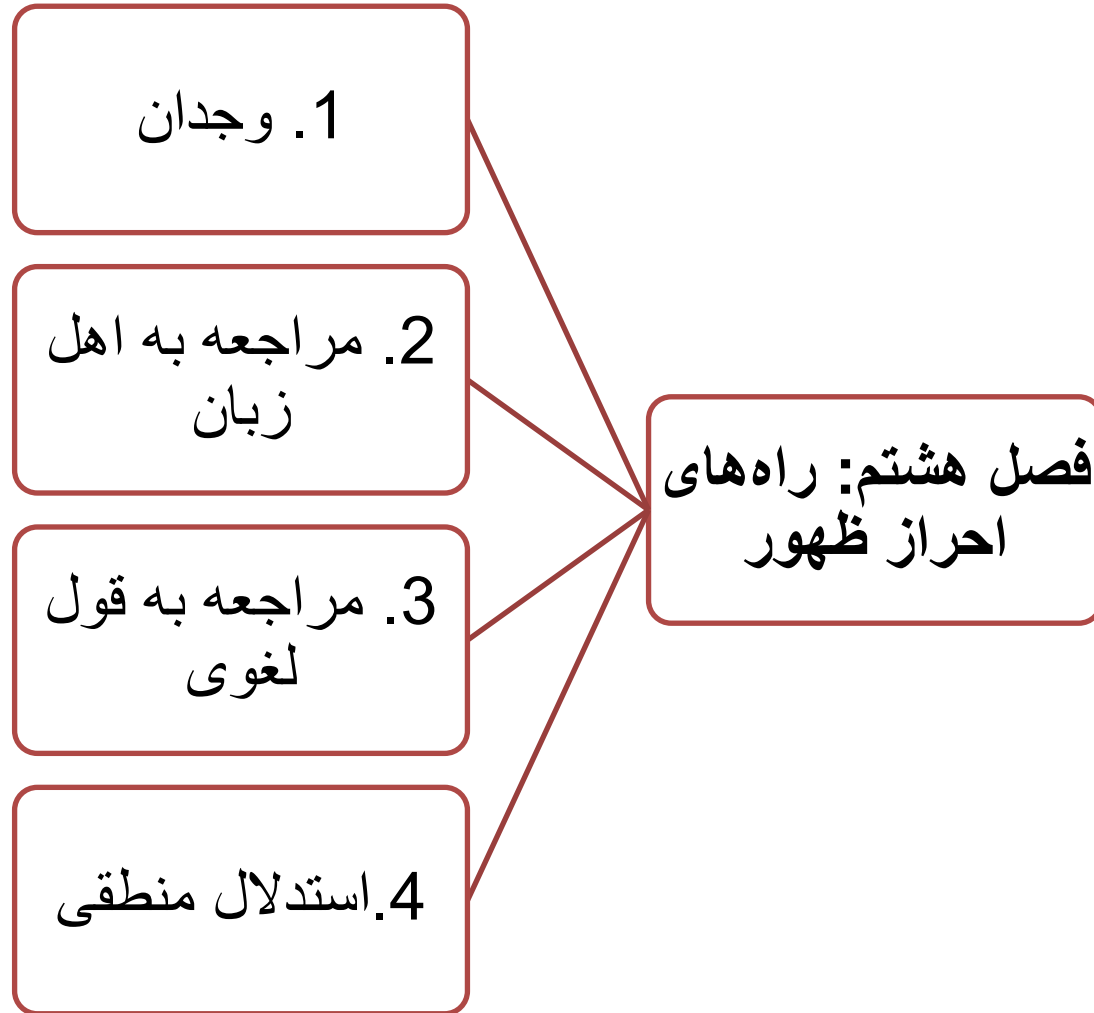
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

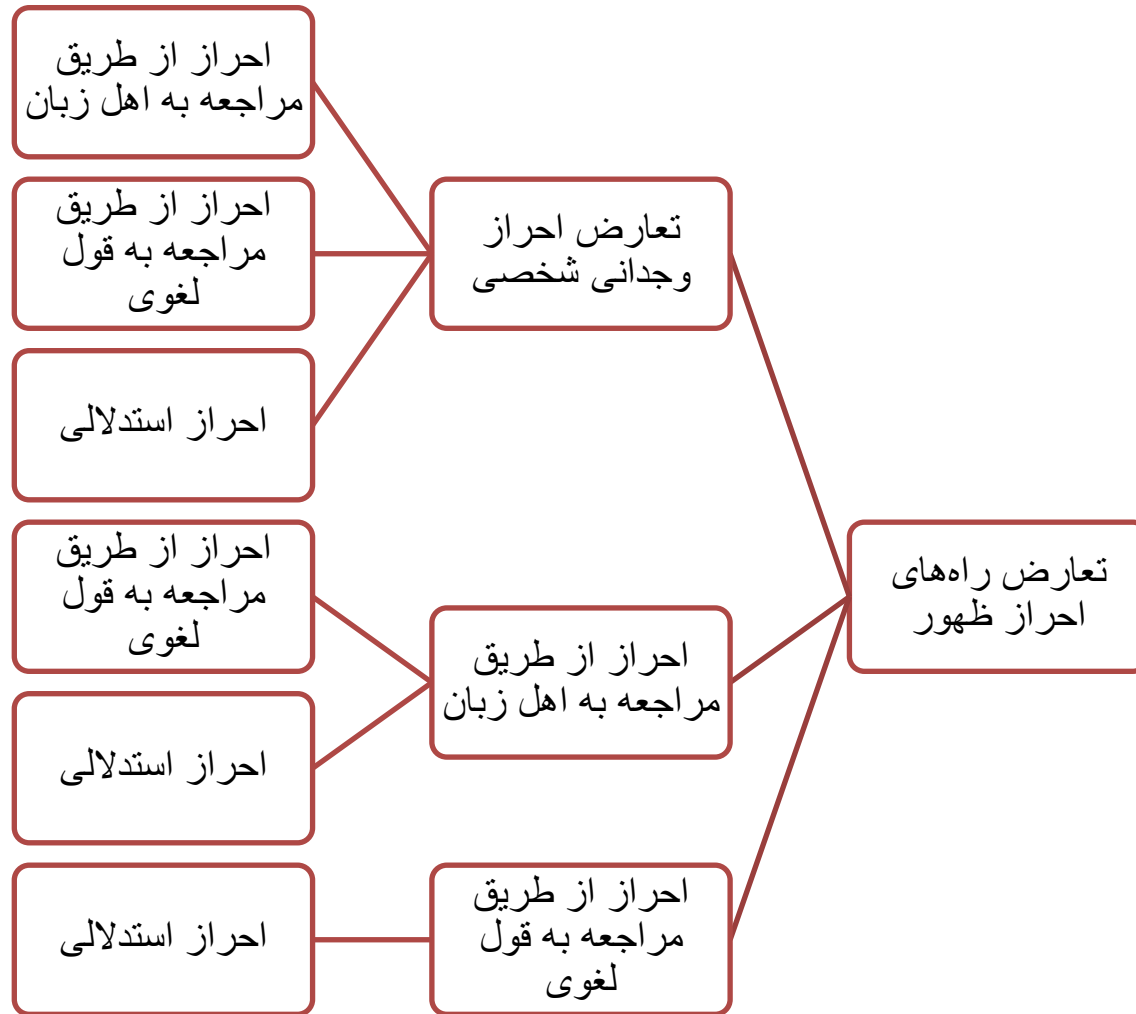
يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

- وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ (٧٣)

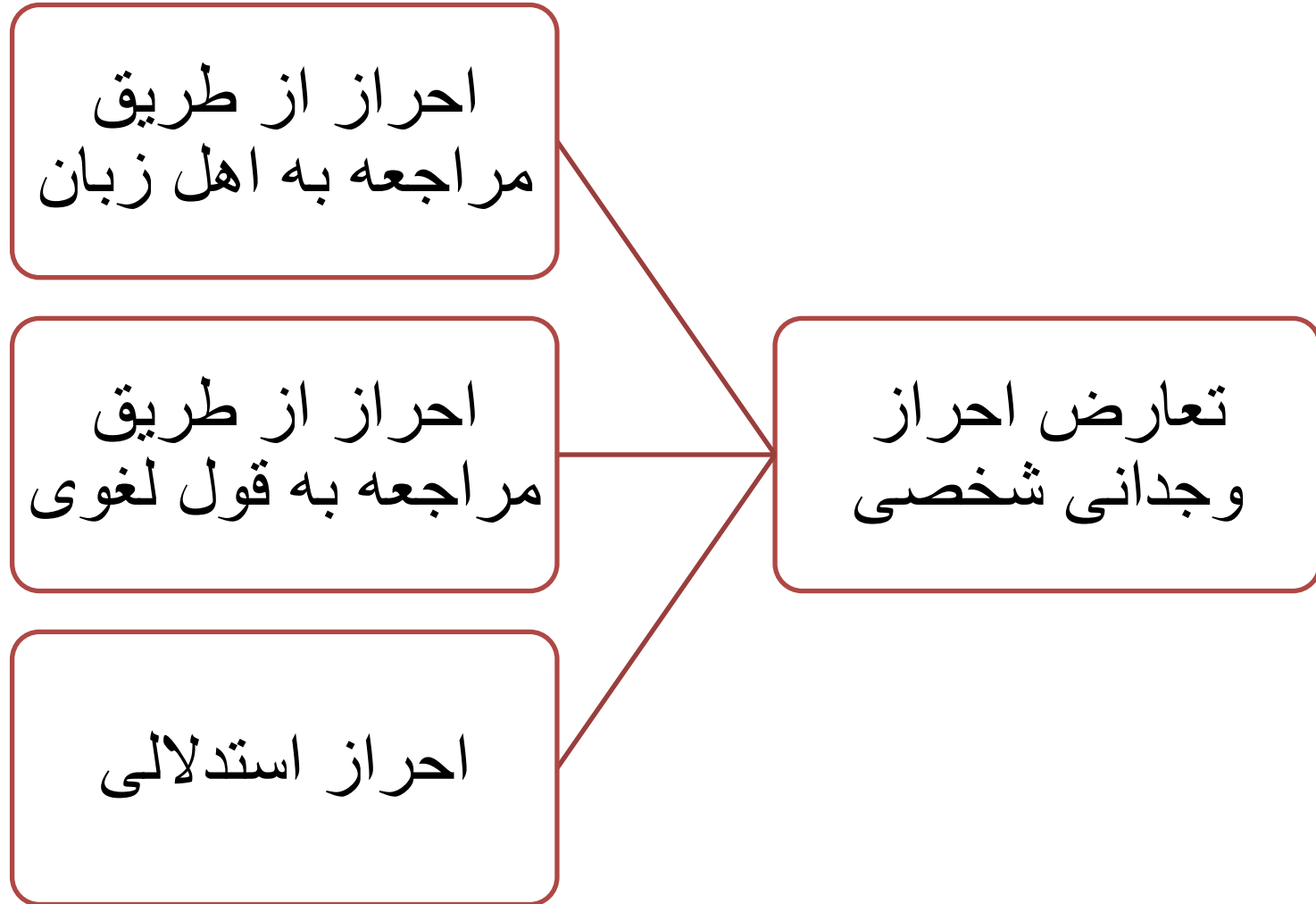


فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور





تعارض راه‌های احراز ظهور

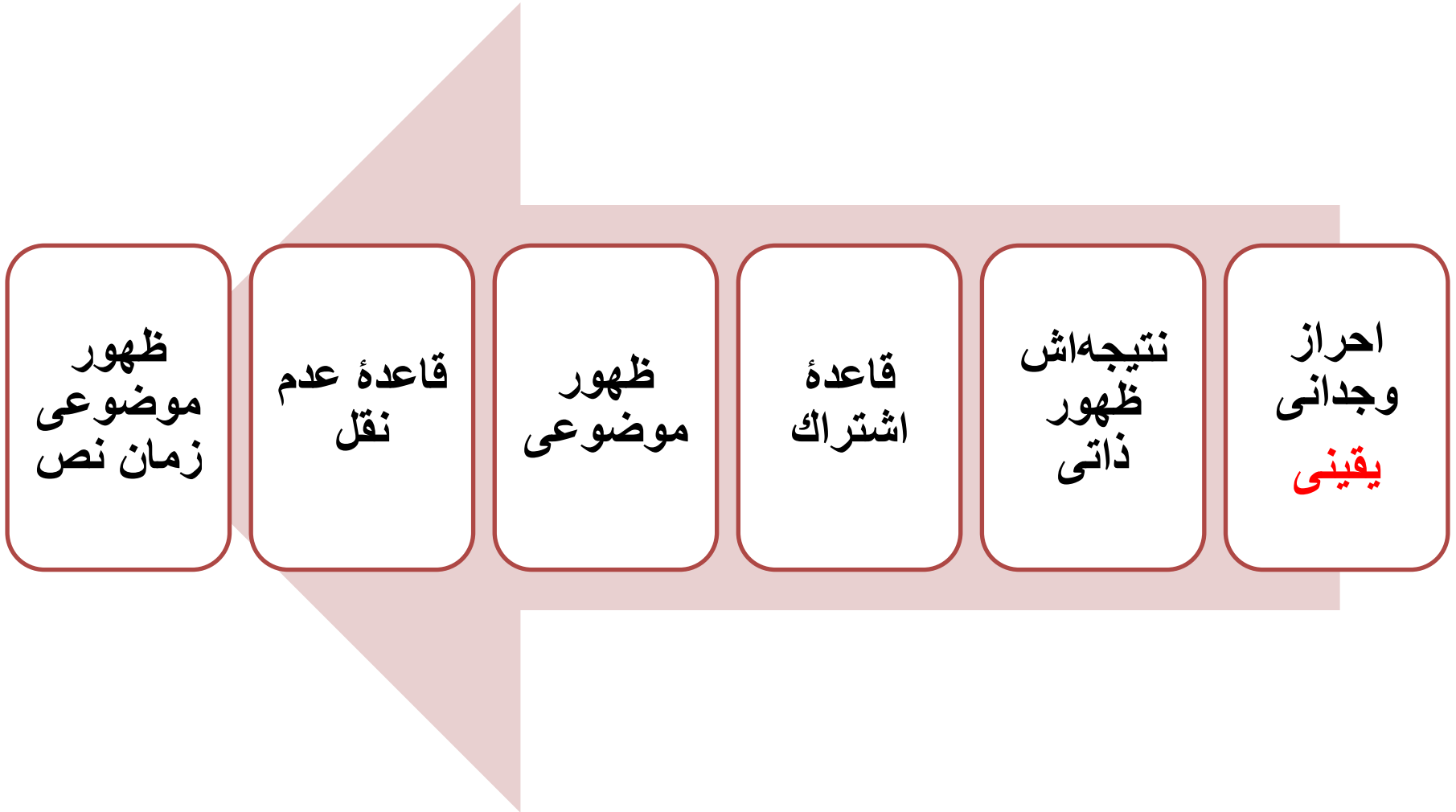


مورد مراجعه اندک

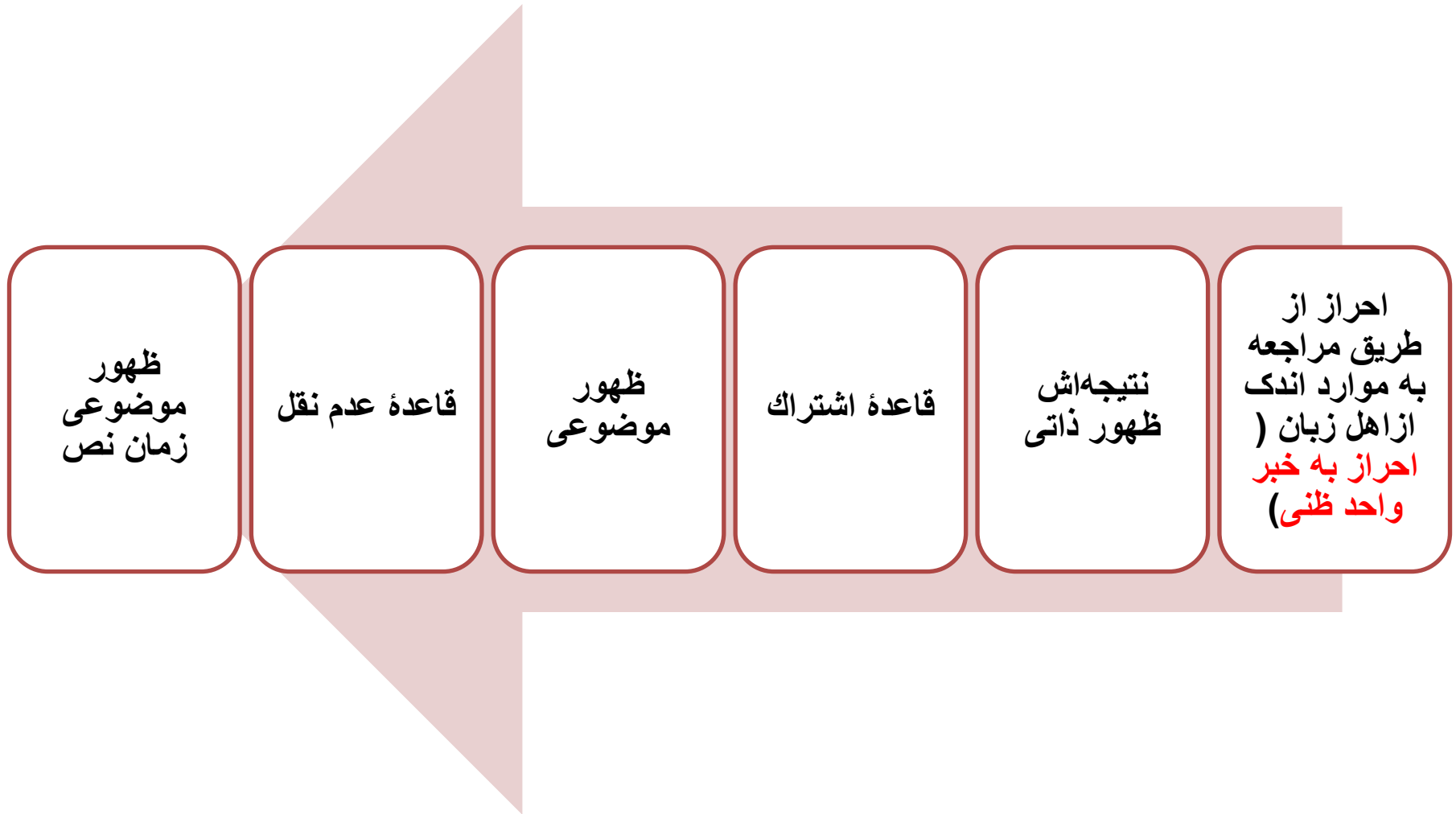
مورد مراجعه فراوان

- تعارض احراز وجدانی
با احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

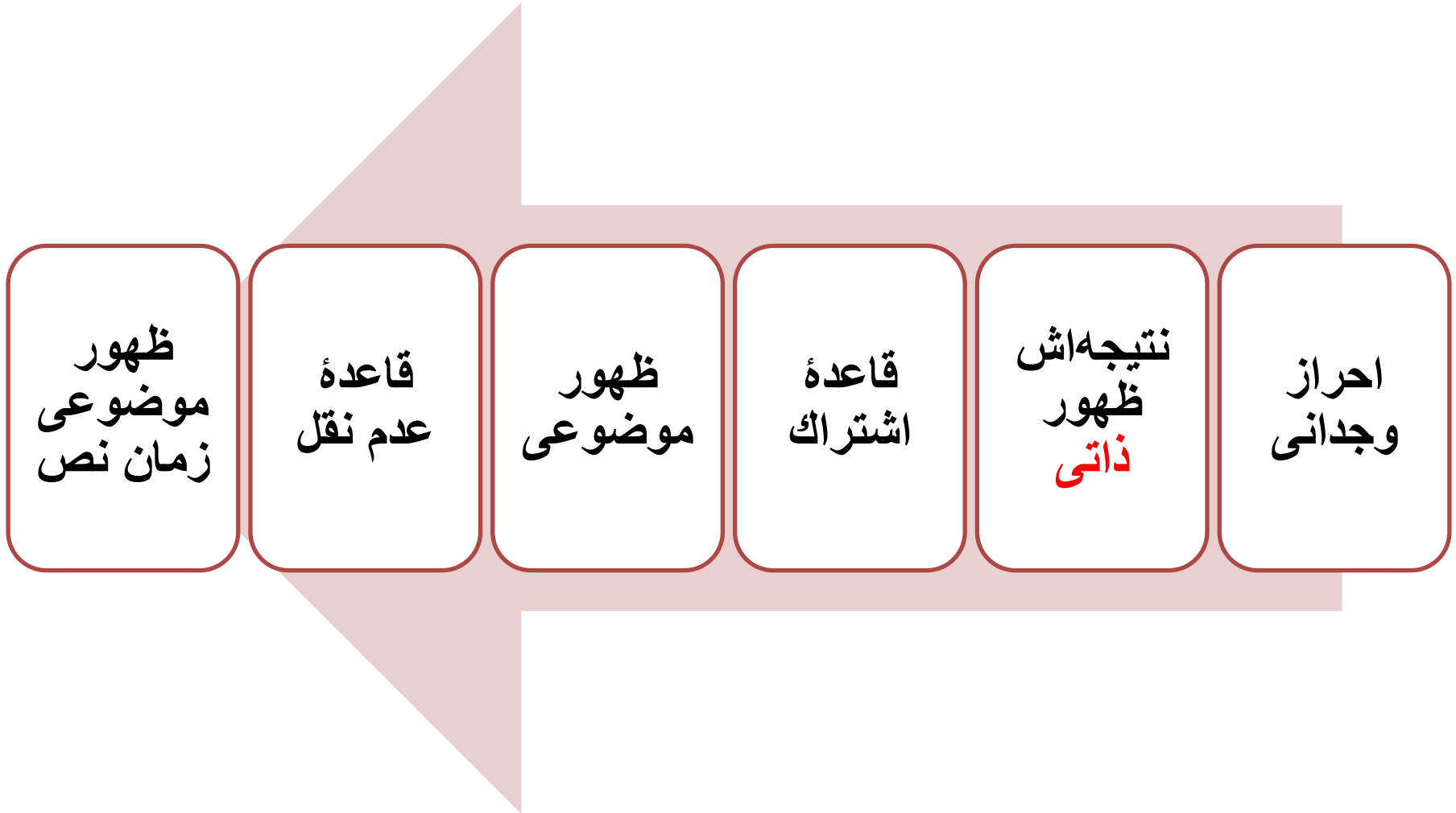


مورد مراجعه اندک

مورد مراجعه فراوان

- تعارض احراز وجدانی
با احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

ظهور
موضوعی
زمان نص

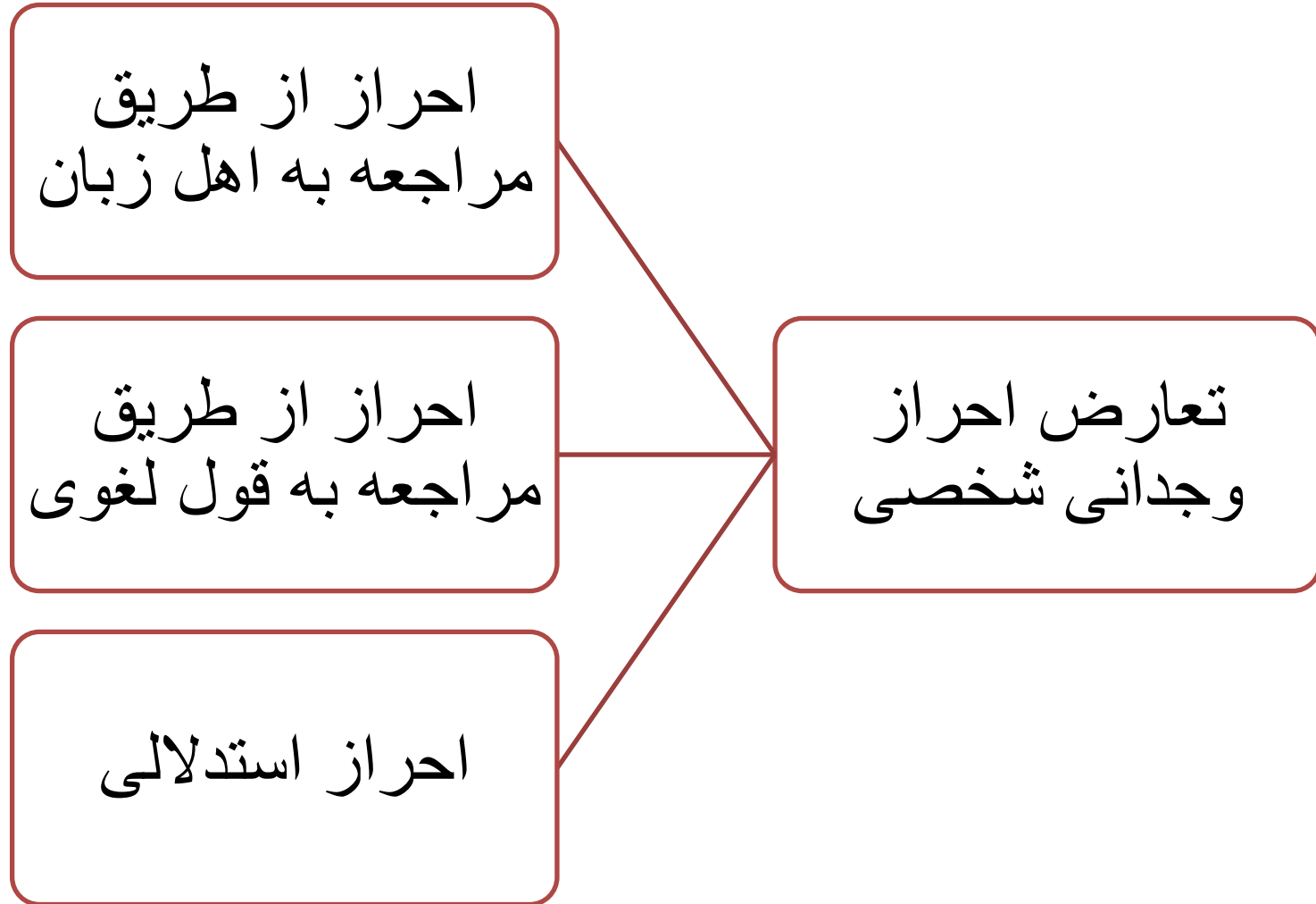
قاعده عدم
نقل

قاعده اشتراك

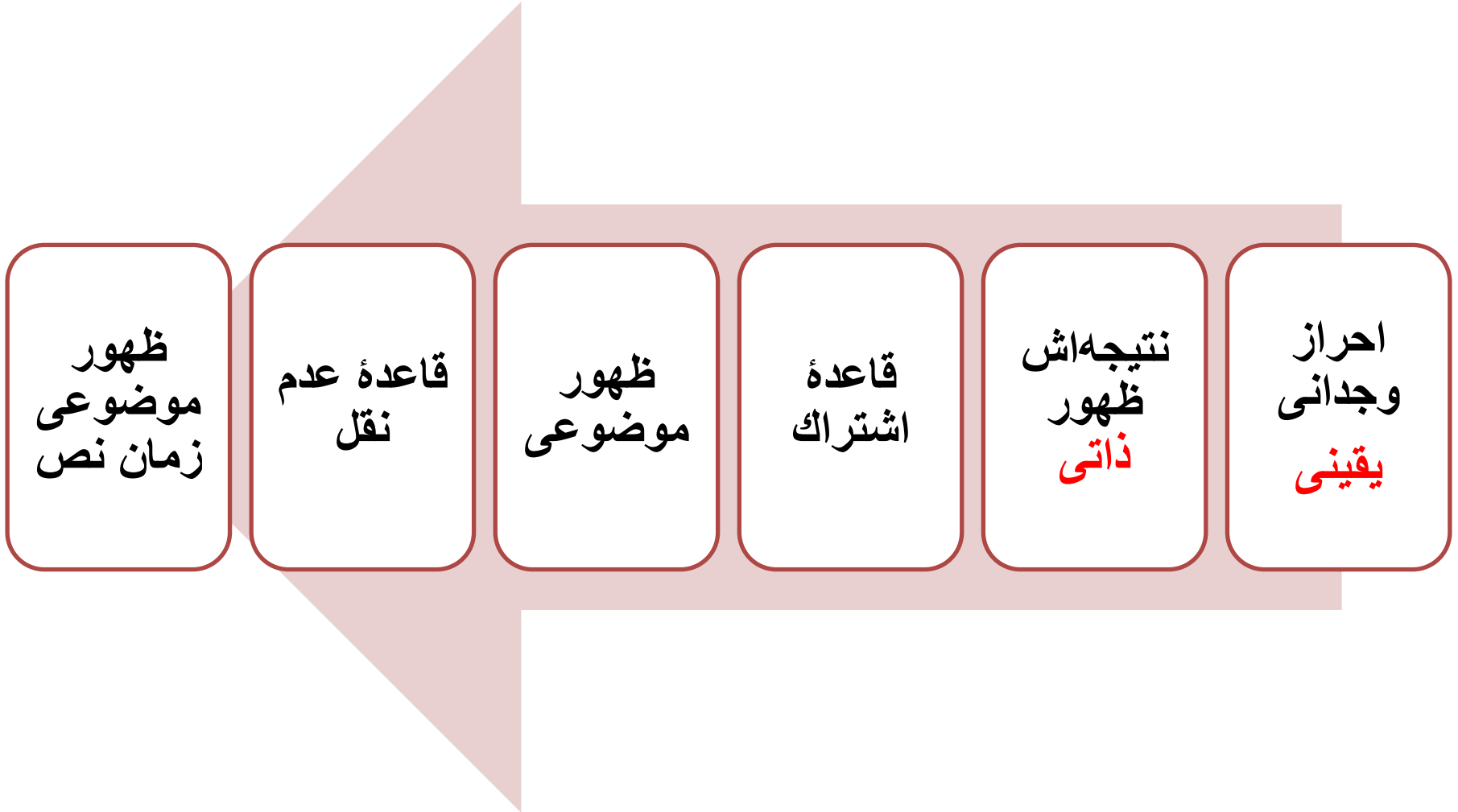
نتیجه‌اش
ظهور
موضوعی

احراز از
طریق
مراجعه به
موارد فراوان
از اهل زبان

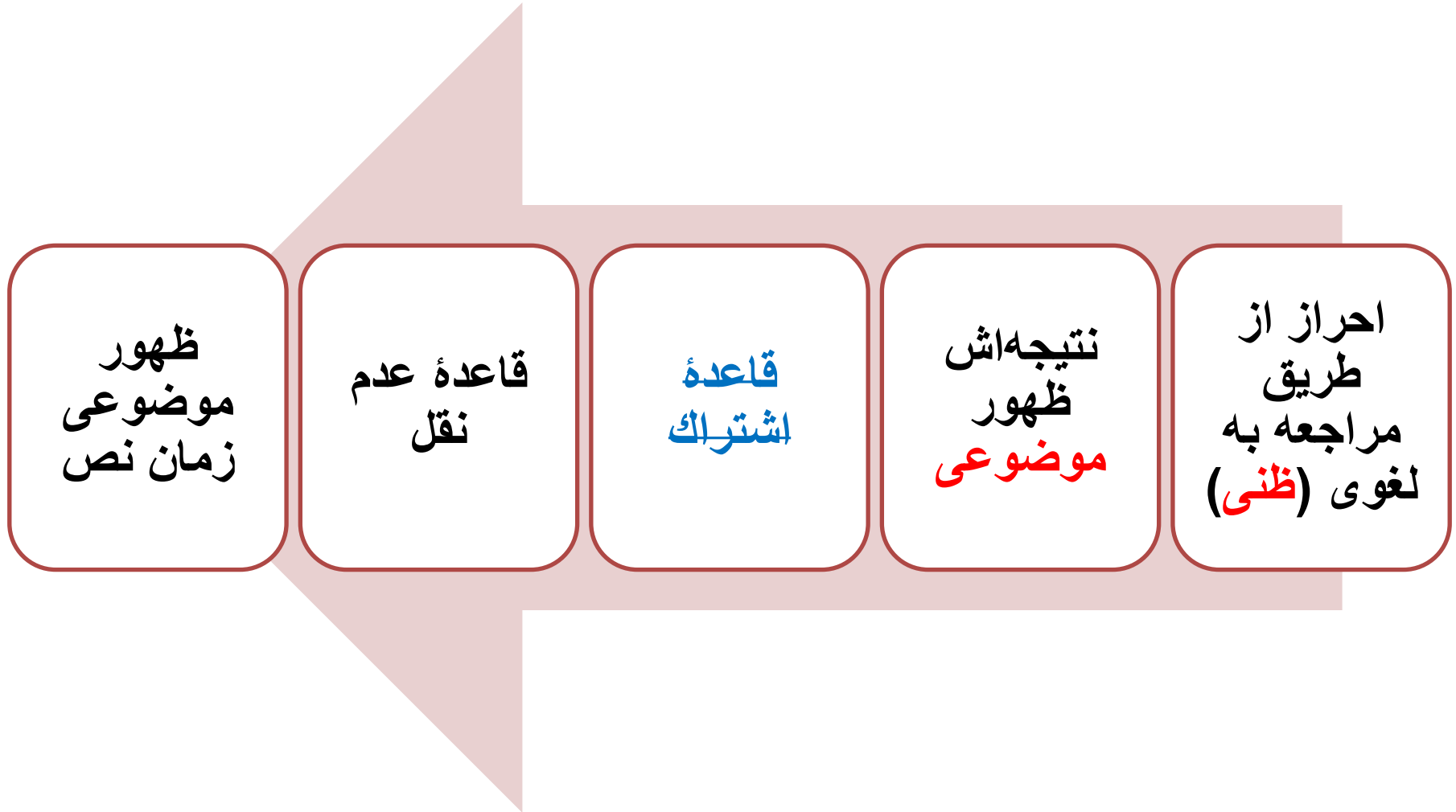
تعارض راه‌های احراز ظهور



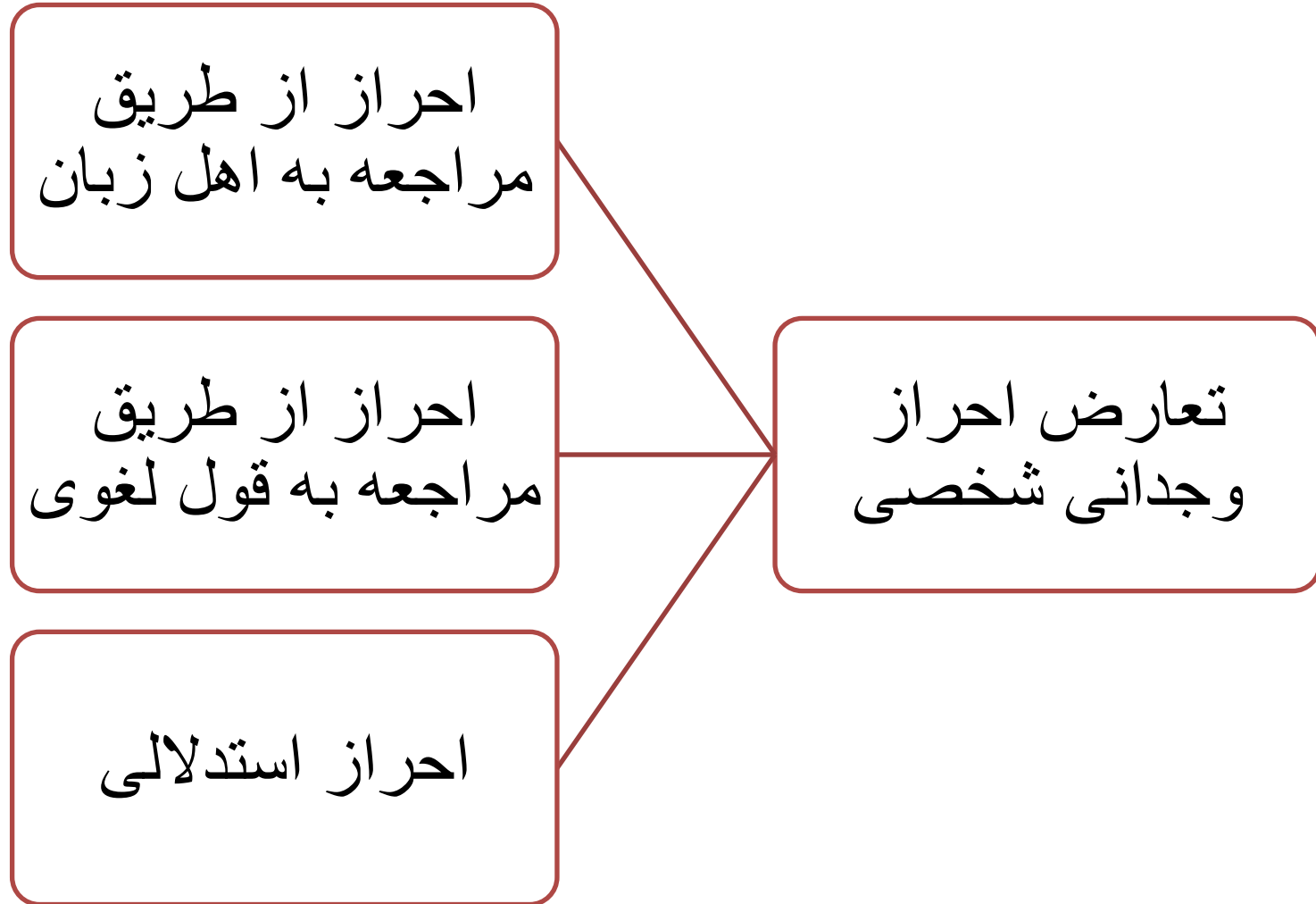
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های احراز ظهور

استقرائی

قیاسی

احراز
استدلالی

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

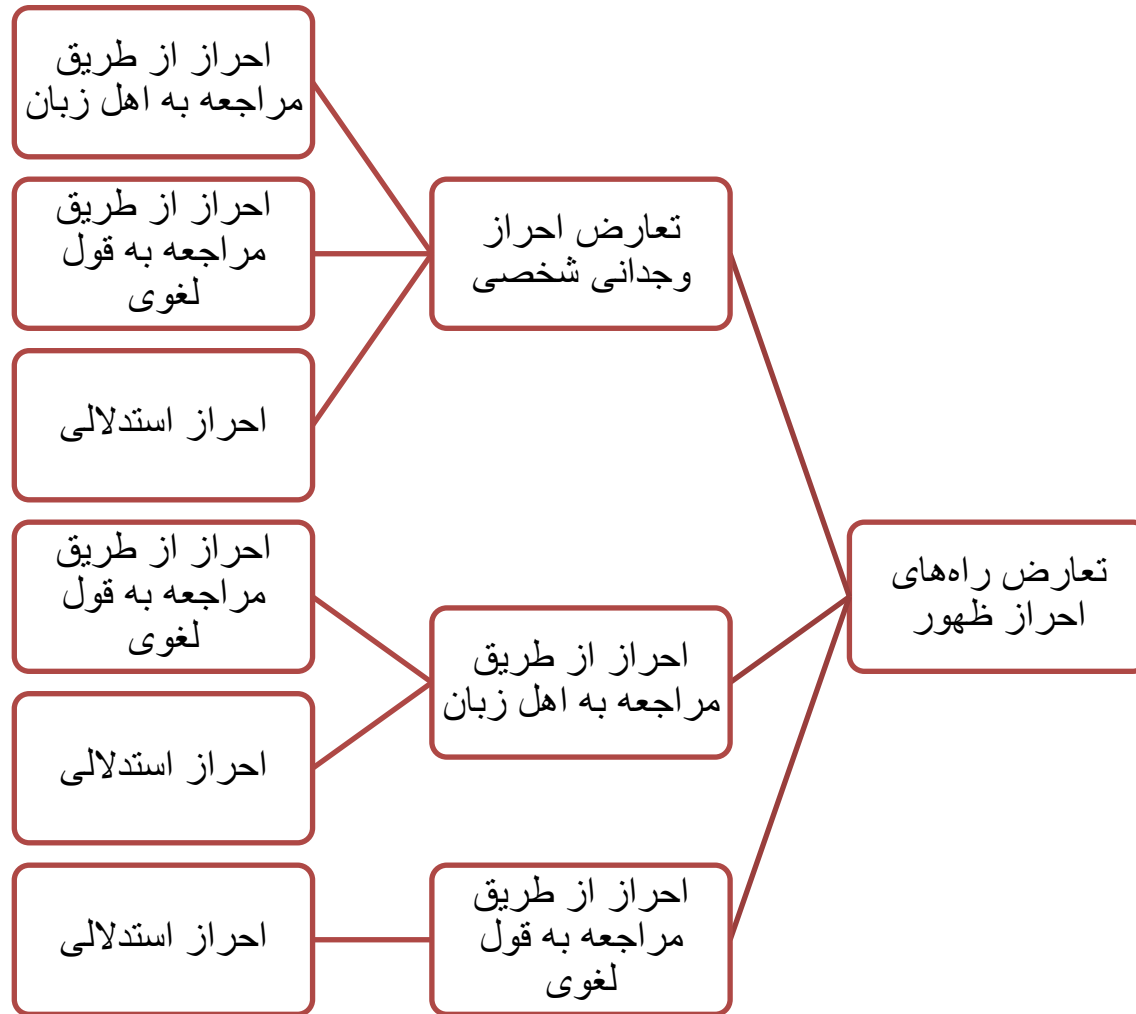
ظهور
موضوعی
زمان نص

قاعده عدم
نقل

قاعده اشتراك

نتیجه‌اش
ظهور
موضوعی

احراز از
طریق
مراجعه به
موارد فراوان
از اهل زبان



احراز از طریق
مراجعه به قول
لغوی

احراز استدلالی

احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

تعارض راه‌های احراز ظهور

- ۴- تعارض احراز از طریق مراجعه به اهل زبان با احراز از طریق مراجعه به لغوی
- ابتدا برای احراز اهل زبان دو صورت در نظر می‌گیریم: احراز یک نفر و دیگری احراز گروهی از اهل زبان.

مورد مراجعه به اهل
زبان اندک

مورد مراجعه به اهل
زبان فراوان

- تعارض احراز از
طریق مراجعه به
لغوی با احراز از
طریق مراجعه به اهل
زبان

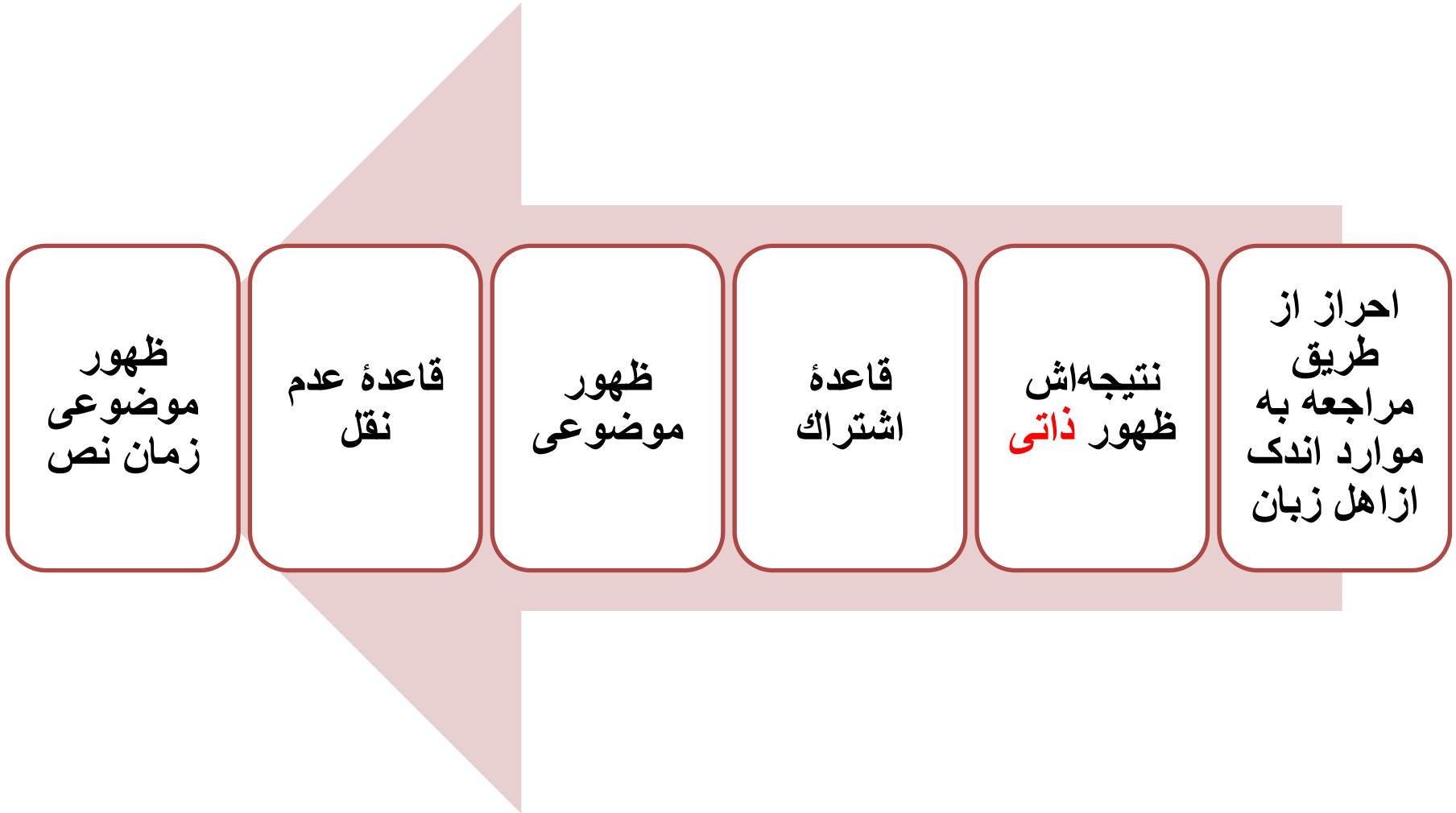
تعارض راه‌های احراز ظهور

● در مورد لغوی هم دو صورت متصور است: گاهی به عنوان یک نفر از اهل زبان به وی مراجعه می‌کنیم و گاهی به عنوان یک متخصص در امر لغت. اگر قول لغوی به عنوان یکی از اهل زبان با احراز یک نفر اهل زبان تعارض کند، هیچ تقدمی وجود ندارد؛ چون مثل این می‌ماند که به دو نفر از اهل زبان مراجعه کنم و هر یک معنایی را برای همین یک لفظ بگویند.

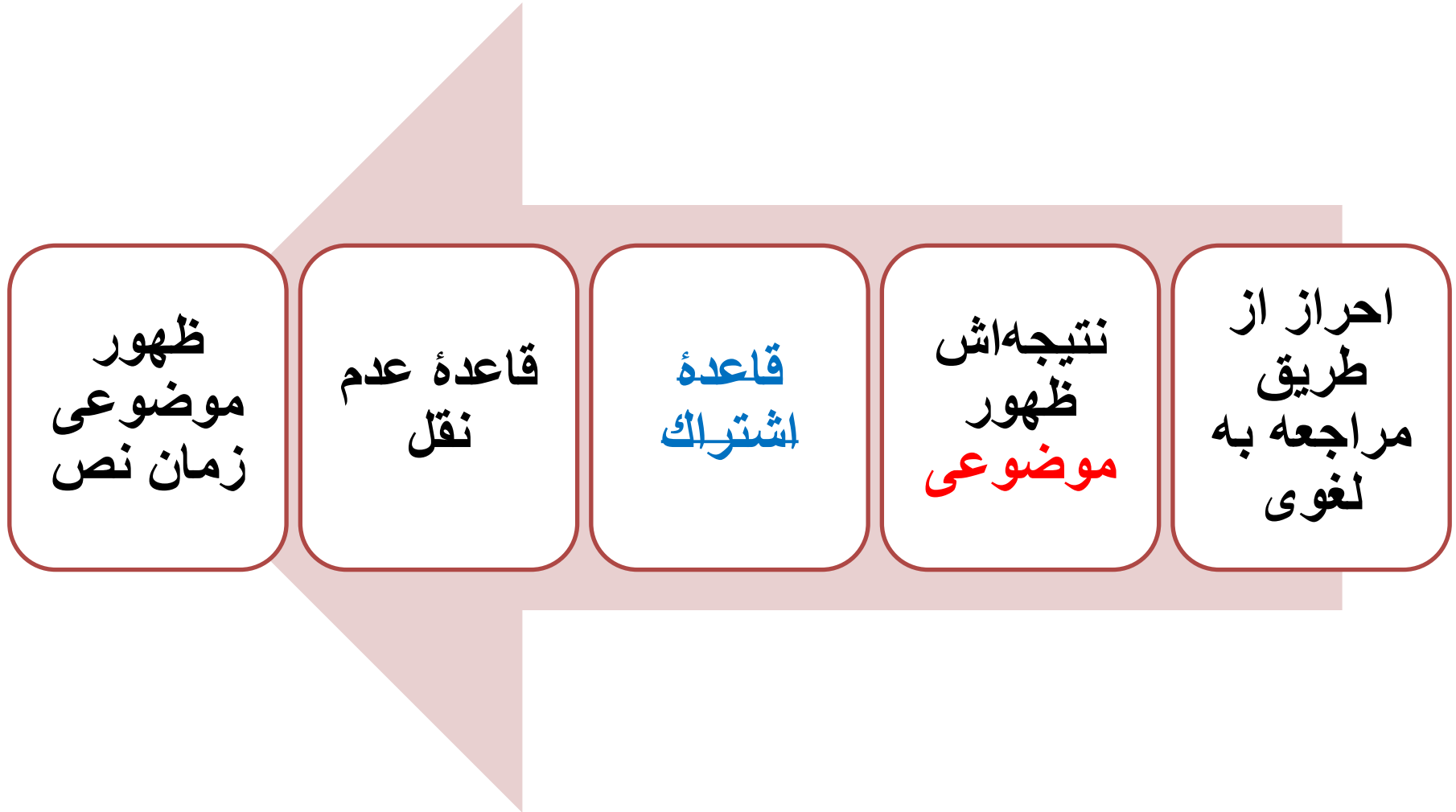
تعارض راه‌های احراز ظهور

- اگر احراز یک نفر از اهل زبان با احراز لغوی به عنوان متخصص معارض شد، در اینجا چون محصول احراز لغوی ظهور موضوعی و محصول احراز اهل زبان ظهور ذاتی است و معیار حجیت در بحث ظهور، ظهور موضوعی است، قول لغوی تقدم پیدا می‌کند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های احراز ظهور

● اگر احراز گروهی از اهل زبان با احراز لغوی به عنوان یک نفر از اهل زبان تعارض کند، احراز اهل زبان مقدم خواهد بود؛ چون یقینی است و ظهور نوعی را به دست می‌دهد در حالی که احراز لغوی به خبر واحد و ظن آور است و ظهور ذاتی را نتیجه می‌دهد.

مورد مراجعه به اهل
زبان اندک

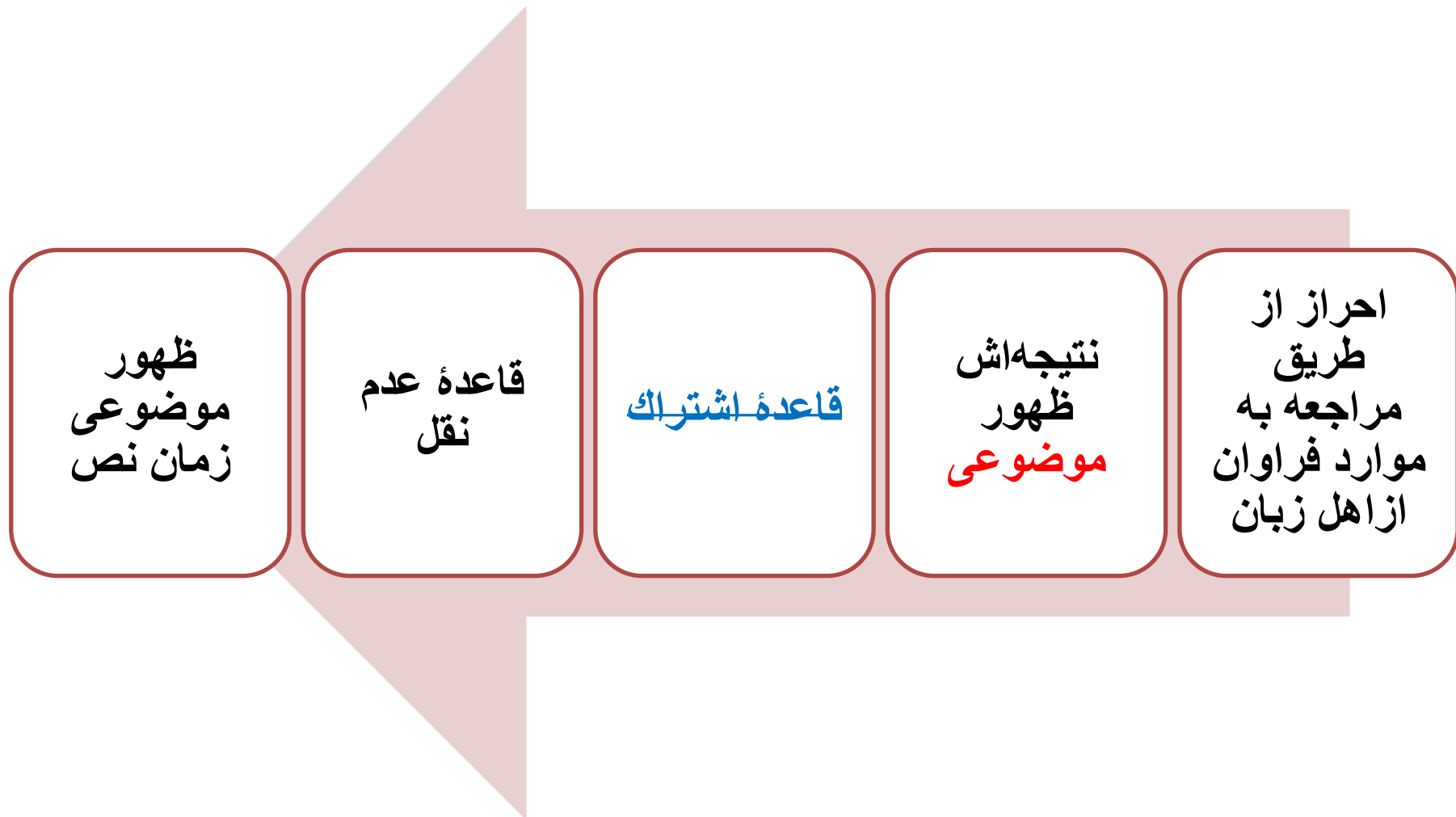
مورد مراجعه به اهل
زبان فراوان

- تعارض احراز از
طریق مراجعه به
لغوی با احراز از
طریق مراجعه به اهل
زبان

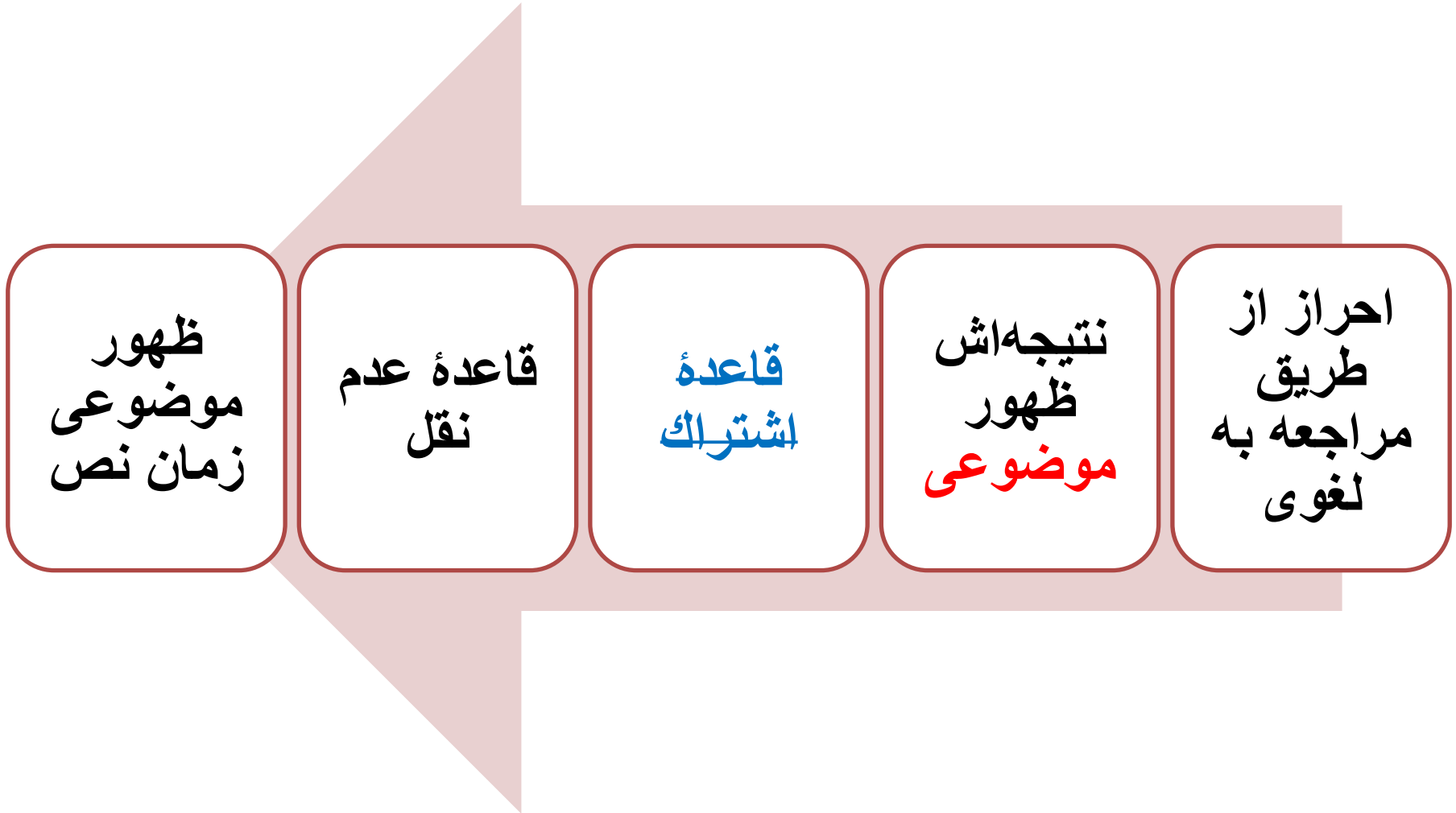
تعارض راه‌های احراز ظهور

- اگر احراز گروهی از اهل زبان با احراز لغوی به عنوان متخصص تعارض پیدا کند، در واقع یک ظهور موضوعی با ظهور موضوعی دیگر تعارض پیدا کرده است.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های احراز ظهور

- در اینجا دو صورت مطرح است:
- گاهی هر دو ظهور در یک زمان را بیان می‌کنند؛ مثلاً زمان معاصر یا عصر نص
- و گاهی ظهور دو زمان را بیان می‌کنند.

هر دو ظهور در یک
زمان را بیان می کنند

ظهور دو زمان را
بیان می کنند

- تعارض احراز از
طریق مراجعه به
لغوی با احراز از
طریق مراجعه به اهل
زبان فراوان

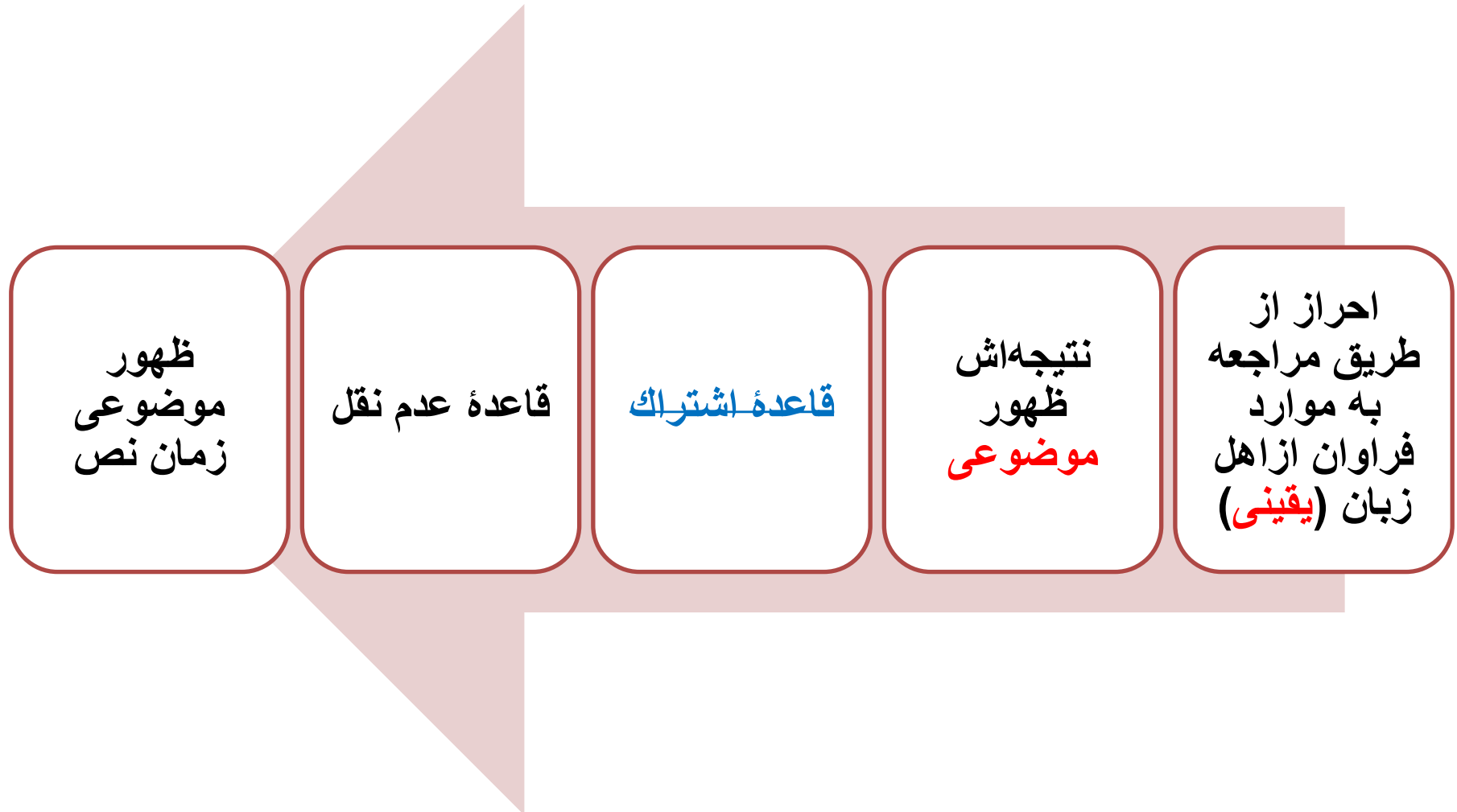
تعارض راه‌های احراز ظهور

- صورت اول مثل اینکه مراجعه کنم به گروهی از اهل زبان که اطراف من هستند و بینم برای همه آنها از این لفظ فلان معنا متبادر است. پس از این طریق احراز می‌کنم که ظهور موضوعی این لفظ در زمان حاضر این معنا است. بعد مراجعه می‌کنم به لغوی و می‌بینم لغوی به عنوان متخصص نه به عنوان یکی از اهل زبان، این طور اظهار نظر کرده است که ظهور موضوعی این لفظ در همین زمان یک معنای دیگر است.

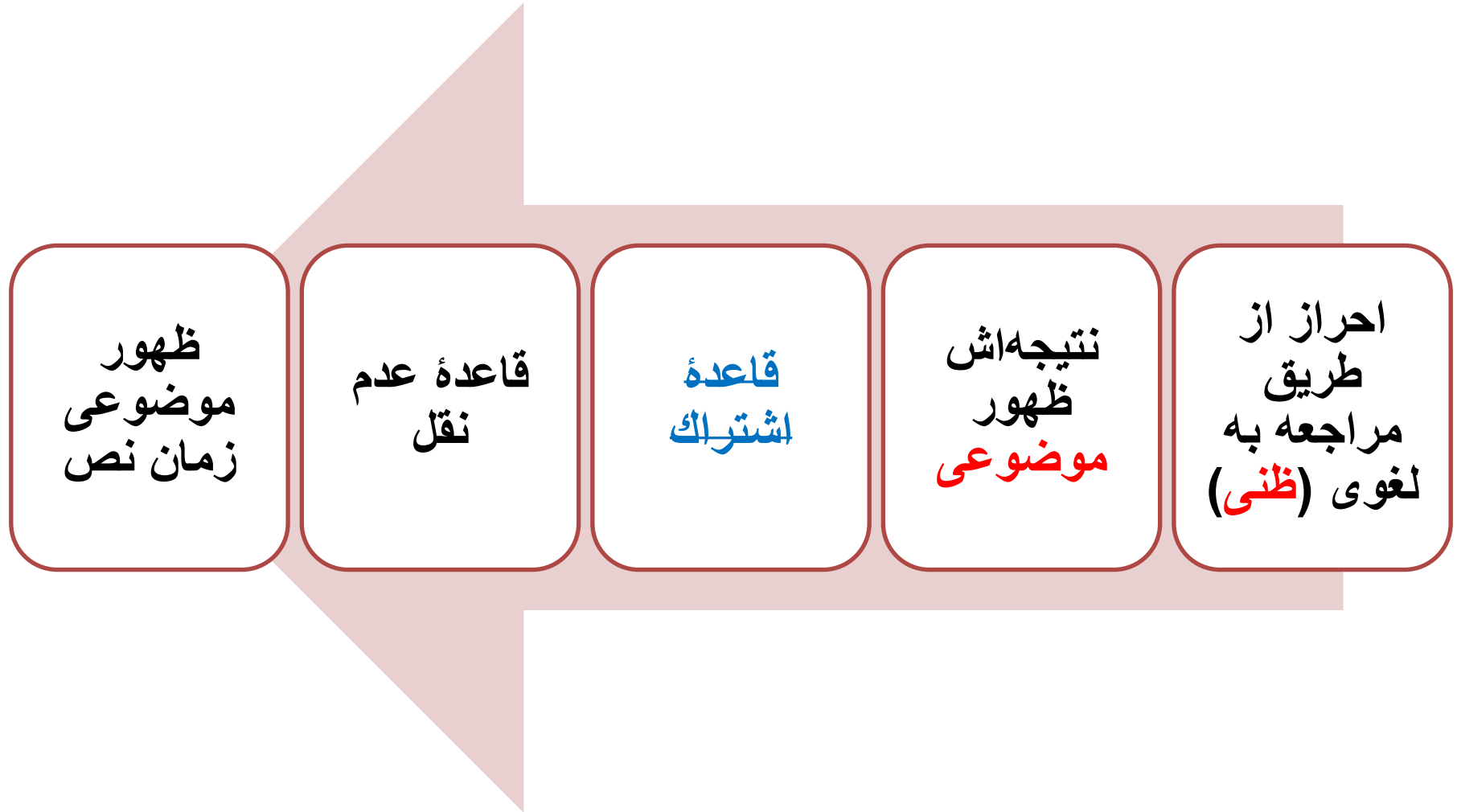
تعارض راه‌های احراز ظهور

- در اینجا هر دو از ظهور موضوعی معاصر حکایت می‌کنند. در احراز اهل زبان، احراز یقینی است بخلاف احراز لغوی که احراز یقینی نیست؛ چون فرض این است که به عنوان یکی از اهل خبره خبر می‌دهد و قول اهل خبره ضرورتاً مفید یقین نیست. در نتیجه در این صورت که هر دو ناظر به یک زمان باشند، قول اهل زبان مقدم می‌شود.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



هر دو ظهور در یک
زمان را بیان می کنند

ظهور دو زمان را
بیان می کنند

- تعارض احراز از
طریق مراجعه به
لغوی با احراز از
طریق مراجعه به اهل
زبان فراوان

تعارض راه‌های احراز ظهور

- صورت دوم مثل اینکه اهل زبان ظهور زمان حاضر را بگویند و لغوی ظهور زمان گذشته را بیان کند یا برعکس، در اینجا اصلاً تعارضی نخواهد بود.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- البته در اینجا این بحث مطرح است که کدام یک از این دو مقدم می‌شود به این معنا که ما از طریق کدام یک می‌توانیم ظهور زمان نص را بدست بیاوریم؛ چون ما گفتیم آنچه برای ما مهم است، دو خصوصیت دارد:
- یکی موضوعی بودن ظهور
- و دیگری مربوط به زمان نص بودن ظهور است.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- بنابراین ظهور موضوعی معاصر فی حد نفسه برای ما ارزش ندارد و ما برای اینکه از ظهور ذاتی شخصی به ظهور نوعی موضوعی برسیم از قاعده اشتراک استفاده می‌کنیم که گفتیم گاهی به دلیل تعارض با احراز از یک طریق دیگر نمی‌توانیم از این قاعده استفاده کنیم.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- در فرض بحث ما از اطراد یک نتیجه به دست آورده‌ام و مراجعه کنم به لغوی به عنوان متخصص نتیجه دیگری به دست می‌آورم و این دو نتیجه برای دو زمان هستند. در این فرض ظهور قدیمی‌تر مقدم می‌شود؛ چون وجود این دو ظهور نوعی در دو زمان نشان می‌دهد که حتماً یک نقل معنایی صورت گرفته است؛

تعارض راه‌های احراز ظهور

- مثلاً امروز به عرب‌ها مراجعه می‌کنم و از یک لفظی یک معنایی می‌فهم؛ اما وقتی به ادبیات عرب در گذشته مراجعه می‌کنم می‌بینم مثلاً ابن فارس **معارض عنای معنای** دیگری برای همین لفظ بیان کرده است. پرواضح است از زمان ابن فارس تا امروز هزار و صد سالی گذشته و این معنا تحولی پیدا کرده و به این معنای جدید تبدیل شده است. آنچه در اینجا برای من مهم است، معنای مطرح در زمان روایت است؛ البته در این مثال حتی زمان ابن فارس بعد از دوران احادیث است.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- حال من دو تا احراز دارم: یک احراز موضوعی زمان معاصر یا متأخر و دیگری احراز موضوعی زمان گذشته و متقدم.
- کدام یک از این دو احراز به کار می‌آید.
- در پاسخ می‌گوییم آن ظهور قدیمی‌تر؛ زیرا با اجرای اصل عدم نقل ظهور موضوعی امروز را به گذشته سرایت می‌دهیم. در این صورت از تعارض با اصل عدم نقل از این احراز متأخر فقط می‌توانیم تا زمان احراز متقدم پیش برویم؛ چون اصل عدم نقل تا جایی می‌تواند اجرا شود که یقین به نقل نداشته باشیم در حالی که به یقین در زمان احراز متقدم نقل صورت گرفته است؛ اما نمی‌دانیم از زمان آن ظهور موضوعی متقدم تا زمان نص تحولی رخ داده است یا نه و نقلی صورت گرفته است یا نه. بنابراین می‌توانم اجرای اصل عدم نقل را تا زمان نص ادامه دهیم.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- بنابراین اگر از این دو تا احرازی که من دارم یکی مقدم باشد و یکی مؤخر یعنی زمان‌ها متفاوت باشد آن که قدیمی‌تر است غالباً مفیدتر است؛ البته اینکه می‌گوییم غالباً مفیدتر است، بدین جهت است که گاهی آن ظهور قدیمی‌تر ممکن است به قبل از زمان نص بر گردد؛ مثلاً احراز طریق یک لغوی در عصر جاهلیت انجام شده باشد و فرض این است که در دوره بعد اسلام یک تحول معنایی رخ داده است؛ البته این فرض است و معمولاً گزارشی از لغوی‌های زمان جاهلیت نداریم؛ چون اصلاً این علوم به معنایی که امروز مطرح است بعد از اسلام شکل گرفته است.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- مقصود ما از این یک نفر یک نفر به خصوص نیست، یعنی جمعی نباشد که مفید یقین یا مفید اطمینان است.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- احراز از طریق مراجعه به اهل زبان معمولاً معاصر است؛ چون مراجعه می‌کنم به این‌ها که امروز در اطراف من هستند و عرب زبان هستند. احیاناً ممکن است من به گذشتگان مراجعه کنم به این شکل که به متون و اسناد باقی مانده از گذشته مراجعه کنم تا مثلاً اطراد استعمال یک لفظ در یک معنایی را در گذشته احراز کنم. سپس از طریق اطراد استعمال اطراد استعمال بدون قرینه را احراز کنم و از طریق اطراد استعمال بدون قرینه وضع را احراز کنم.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- این یک روش ممکن است و احیاناً هم در فقه چنین کاری می‌شود؛ یعنی گاهی فقها به استعمالات لفظ در گذشته در منابع متعدد مثلاً در آیات، روایات، عبارات‌های تاریخی مربوط به آن زمان مراجعه می‌کنند تا ببینند آیا در تمام این منابع این لفظ در این معنای استعمال می‌شود یا نه؛ مثلاً در بحث لفظ شرط در روایت «المؤمنون عند شروطهم» بسیاری از فقها برای اینکه معنای شرط را توضیح بدهند به استعمالات شرط در لسان آیات، روایات، ادعیه، تاریخ مراجعه کرده‌اند و در واقع از طریق خواسته‌اند بفهمند که لفظ شرط در آن زمان به چه معنایی بوده است. آیا شرط حتماً باید ضمن عقد باشد یا نه؟ این خصوصیات معنا را از طریق این استعمالات به دست آورند.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- بنابراین معنا دارد که ما مراجعه کنیم به اهل زبان و ظهور گذشته را به دست بیاوریم. قول لغوی هم دو شکل است: گاهی لغوی، معاصر است و از معانی معاصر یا گذشته می‌گوید و گاهی لغوی، خودش برای گذشته است مثل مثلاً ابن فارض. در چنین مواردی معلوم است که استعمالات هزار سال پیش را بیان می‌کند و کاری به معانی معاصر ندارد.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- دقت کنید همزمانی ضرورتاً به معنای ظهور موضوعی معاصر نیست، هر چند که عادتاً چنین است.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- . ربك: همین نوشتار، بحث حجیت ظهور زمان نص.

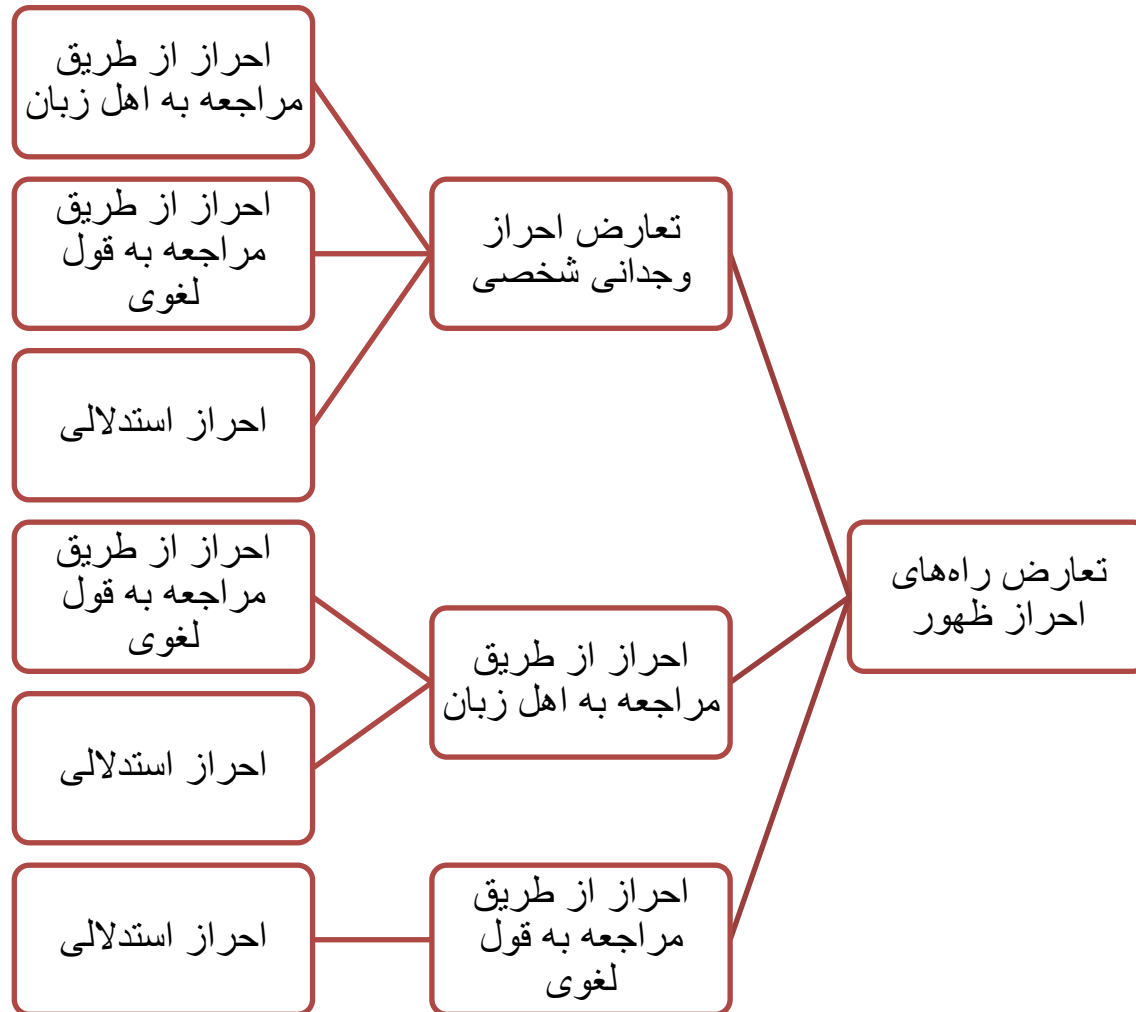
احراز از طریق
مراجعه به قول
لغوی

احراز استدلالی

احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

تعارض راه‌های احراز ظهور

- ۵- تعارض احراز از طریق مراجعه به اهل زبان با احراز منطقی
- اینکه احراز اهل زبان با احراز برهانی متعارض باشد، متصور نیست؛ یعنی اگر چنین چیزی پیش بیاید کاشف از این است که ما در یکی از این دو احراز اشتباه کردیم یا برهانمان غلط است و یا اینکه در احراز از طریق اهل زبان اشتباهی رخ داده است.



احراز استدلالی

احراز از طریق
مراجعه به قول
لغوی

تعارض راه‌های احراز ظهور

- ۶- تعارض احراز از طریق مراجعه به قول لغوی با احراز منطقی
- در این فرض نیز همان بحث قبلی تکرار می‌شود که معنا ندارد احراز منطقی برهانی با احراز لغوی تعارض پیدا کند. بنابراین در یکی از این دو اشتباهی رخ داده است؛ البته چون لغوی در دسترسمان نیست، همیشه ترجیح با برهان است؛ مگر اینکه خود این تعارض کاشف از این باشد که خود این برهان اشکالی دارد.